گفت‌وگو

پیوند گویش‌های خراسان با جنوب غرب

گفت‌وگو با پویا شهریاری راد که تاکنون ۲ کتاب درباره گویش مشهدی تألیف کرده است

رضوانی| تنوع و گوناگونی گویش‌ها و لهجه‌ها از جذابیت‌های زبانی است. گویش علاوه بر کارکردهای ویژه خود در برقراری ارتباط و معنادار کردن آن، کارکردهای هویتی هم دارد و نشانی از وابستگی گویشوران به جغرافیا و فرهنگی خاص است. اما گویش‌ها نیز مانند زبان، در گذر زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. هر تلاشی در جهت مکتوب کردن و ریشه‌شناسی واژگان یا آوردن حکایت‌های مربوط یا تألیف فرهنگ‌نامه‌های مرتبط، می‌تواند کمکی باشد به عمر بیشتر گویش‌ها یا عمومی‌تر شدن آن‌ها. در این زمینه، پویا شهریاری‌راد که کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران دارد، تاکنون ۲ کتاب درباره گویش مشهدی تألیف کرده است: «بررسی گویش مشهدی» و «ریشه‌شناسی ۶۵ واژه در گویش مشهدی». با او درباره گویش مشهدی و ریشه و وضعیت آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

عکس: جوادکرمانی | شهرآرا

● از چه سالی و از کجا به سمت حوزه بررسی و پژوهش درباره گویش مشهدی کشیده شدید؟

من چون سفرهای مختلفی به نقاط مختلف کشور کرده بودم، با تفاوت‌ها و دگرگونی‌های زبانی آشنا بودم. از طرفی اینکه هر بخش از کشور به گویش یا زبانی صحبت می‌کردند خیلی مرا جذب خودش می‌کرد. وارد دانشگاه که شدم، تصمیم گرفتم رشته زبان‌شناسی را انتخاب کنم. یکی از بخش‌های زبان‌شناسی گردآوری گویش‌ها و لهجه‌هاست. اهمیتش از این بابت است که این گویش‌ها و لهجه‌ها و گوناگونی زبانی هر کشوری بخشی از میراث فرهنگی آن کشور است. از طرف دیگر، دیدم جمعیت مشهد رو به گسترش است. همچنین زائران و مسافران بسیاری به این شهر رفت‌وآمد دارند و این گویش را دستخوش دگرگونی می‌کنند. این عوامل باعث شد در قالب کتابی به گویش مشهدی بپردازم تا ماندگار شود. البته این اول راه است و امیدوارم ادامه داشته باشد.

● پیش از شما چه کسانی در این حوزه کار کرده‌اند؟ آیا کارهای انجام‌شده کفایت می‌کند؟

چند مقاله و چند کتاب در محدوده طنز بود که به گویش مشهدی پرداخته بود. اما من یک بررسی زبان‌شناختی انجام دادم. کارهای موجود به این صورت نیست که مدون باشد، از دگرگونی‌های آوایی شروع کرده باشد، صرف و نحو را توضیح داده باشد و واژه‌ها و ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات را آورده باشد. البته درباره جاهای دیگر خراسان چرا، کار شده است. مثلا در مورد گویش‌های اسفراینی، قاینی و بیرجندی بسیار خوب کار کرده‌اند. گویش مشهدی در کتاب‌هایی مورد توجه قرار گرفته است که از جمله می‌توان به کارهای آقای اصغر میرخدیوی اشاره کرد، اما ایشان بیشتر در حوزه فرهنگ کار کرده‌اند، نه حوزه زبان‌شناختی گویش.

● یک تعریف کوتاه از لهجه و گویش هم به ما بدهید. معمولا مشهدی را لهجه می‌خوانند و اصطلاح گویش را کمتر برای آن استفاده می‌کنند.

قبل از اینکه این ۲ را توضیح بدهم، بگذارید زبان را تعریف کنم. زبان یا language مجموعه‌ای از کدهایی است که ۲ نفر به هم می‌دهند و ارتباط برقرار می‌کنند. اگر این کدها یکسان باشد و ارتباط برقرار شود، می‌گویند زبان مشترک داریم. مثلا من و شما با کدهای فارسی با هم صحبت می‌کنیم، بنابراین زبان مشترک داریم. حالا زبان تقسیم‌بندی‌هایی دارد که به آن گویش یا dialect می‌گویند. فرق گویش‌ها با هم این است که تکلم‌کنندگان به آن، حرف همدیگر را متوجه می‌شوند اما برخی شاخه‌های صرفی و نحوی در گویش‌های گوناگون متفاوت است. این ممکن است موجب کژتابی و ابهام شود. اگر این کژتابی و ابهام شکل بگیرد، می‌گویند با گویش‌های متفاوتی طرف هستیم. هر گویشی چندین لهجه یا accent دارد. این لهجه‌ها تفاوتشان فقط در حوزه آوایی است. مثلا فتحه می‌شود کسره و هیچ ابهامی صورت نمی‌گیرد و افراد تکلم‌کننده به ۲ لهجه حرف هم را کاملا متوجه می‌شوند.

● می‌توانید با یک مثال توضیح بدهید؟

در گویش مشهدی گاهی که در جمله «که» داریم، فعل ما به صورت منفی صرف می‌شود ولی معنی مثبت دارد. مثلا «بس که هوا گرم نبود، مو رفتُم استخر غطه خوردُم»، یعنی «از بس هوا گرم بود، رفتم استخر آب‌تنی کردم». از لحاظ واژگانی هم اگر بخواهیم نمونه بیاوریم، کلماتی مانند «خُسُر»، «باباکلون» و «نواسه» را اگر بگوییم، گویشوران دیگر گویش‌ها دچار کژتابی و ابهام می‌شوند.

● گویش مشهدی چقدر از دیگر گویش‌ها و زبان‌ها وام گرفته است و دیگر گویش‌ها و زبان‌ها چه اندازه از مشهدی وام گرفته‌اند؟

وام‌گیری گویش‌ها و زبان‌ها از همدیگر از ابتدای تاریخ بوده است. انسان‌ها در هر حوزه‌ای از زبانِ هم وام گرفته‌اند؛ از واج که کوچک‌ترین واحد معنایی زبان است تا حوزه نحو که بالاترین سطح یک زبان محسوب می‌شود. مسلما گویش مشهدی هم از گویش‌های اطرافش وام گرفته است و گویش‌های اطراف مثل نیشابوری و سبزواری نیز از گویش مشهدی وام گرفته‌اند. البته این را هم باید در نظر داشته باشیم که با چند خانواده زبانی روبه‌روییم که تقسیم‌بندی می‌شوند. مثلا مشهدی زیرمجموعه گویش‌های خراسانی است، خراسانی زیرمجموعه گویش‌های فارسی است. فارسی زیرمجموعه گویش‌های ایرانی می‌شود و همین‌طور می‌رود تا بالاترین سطح که به هندواروپایی می‌رسد. این‌ها چون قبلا یک خانواده زبانی بوده‌اند، مشترکات زیادی داشته‌اند و به مرور زمان این وام‌گیری‌ها اضافه شده است. ما چیزی به عنوان خانواده زبانی داریم، هر خانواده شاخه‌های مختلفی دارد که به آن زبان‌های دختر می‌گویند و این زبان‌های دختر با هم خواهر به شمار می‌آیند. هریک از این دخترها باز دخترهای خودش را دارد که آن‌ها نیز با هم خواهر محسوب می‌شوند. الان بخواهیم مشهدی را در نظر بگیریم، زیرمجموعه زبان‌های هندواروپایی است. از آن بیاییم پایین‌تر زیرمجموعه زبان‌های هندوایرانی است. بعد از آن زیرمجموعه زبان‌های ایرانی می‌شود، بعد زیرمجموعه زبان‌های فارسی و بعد زیرمجموعه زبان‌های جنوب غربی فارسی می‌شود. برخلاف موقعیت جغرافیایی کنونی‌اش که شمال شرق ایران است، گویش مشهدی زیرمجموعه گویش‌های جنوب غرب ایران شمرده می‌شود.

● یعنی سمت خوزستان؟

بله. براساس تحقیقات انجام‌شده دریافته‌اند که گویش‌های خراسان شباهت‌های بسیاری با گویش‌های جنوب غرب دارد. به همین خاطر از لحاظ علمی که تقسیم‌بندی کرده‌اند، زیرمجموعه آن شاخه قرار گرفته است. این هم بر اساس تحقیقات مردم‌شناسی است که با بررسی ژن‌ها متوجه شده‌اند ما از جنوب غرب به این سمت مهاجرت کرده‌ایم.

● ما تغییر و تحول‌های زیادی را در زبان‌های مختلف می‌بینیم. این تغییرها به سمت آسان شدن است؟

بله، ذات بشر است که به سمت آسان شدن کارها می‌رود. زبان هم از این قاعده مستثنا نیست.

● در این بین، تکلیف گویش‌ها چه می‌شود؟ آیا ممکن است در آینده از بین بروند و مثلا همه ایرانیان با زبانی معیار سخن بگویند؟

گویش‌ها میل به ساده‌تر شدن دارند و آن‌قدر ساده می‌شوند که شاید در آینده همه‌شان یک چیز بشوند.

● این باعث لاغر شدن زبان نمی‌شود؟

بله، می‌شود. اما زبان براساس نیازها شکل می‌گیرد. این ساده‌تر شدن تا جایی پیش می‌رود که ما به آن کلمات دیگر نیاز نداشته باشیم. اما علم و فناوری پیشرفت می‌کند و کلمات جدیدی هم وارد زبان می‌شود. مثلا تا چند دهه پیش کلمه «کامپیوتر» وجود نداشت اما امروز به‌راحتی به کار می‌رود.

● می‌گویند ما با زبانمان فکر می‌کنیم. اینکه کلمات بیشتر و متنوع‌تری داشته باشیم به گسترش اندیشه هم کمک می‌کند؟

قضیه تأثیر تفکر روی زبان است؛ یعنی اگر واژه‌ای نداشته باشیم، یعنی در اندیشه‌مان نیازی به ساخت آن واژه نداشته‌ایم.

● چطور می‌شود مردم را تشویق کرد که از گویش خودشان استفاده کنند؟

این کارها باید به صورت جدی‌تری در رسانه‌ها ادامه پیدا کند. آنچه با محوریت گویش مشهدی در رسانه‌ها می‌بینیم بیشتر طنز است. برخی‌ها طنز هم نیست؛ مسخره کردن است. اگر جدی کار شود تأثیر می‌گذارد. نمی‌گویم طنز نباشد، اما کارهای جدی هم بکنند.

● آیا کتاب دیگری هم با محوریت این گویش در دست تألیف دارید؟

دارم کل واژه‌های خراسان بزرگ را بررسی می‌کنم. منظورم از خراسان بزرگ جغرافیایی است که مرزش تا ماوراءالنهر می‌رسد.

یادداشت

واگذاری فرهنگ و رسانه به اهالی فرهنگ و رسانه

یوسف بینا| دیر زمانی است که هر کدام از فرهنگ‌سراهای شهر مشهد عنوانی را بر فراز سردر خود دارند و هر یک از این عنوان‌ها نشان‌دهنده حوزه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی است که هر فرهنگ‌سرا به نوعی ملزم به سامان‌دهی و جهت‌دهی فعالیت‌های خود در آن حوزه تخصصی است؛ هرچند این مهم تاکنون به‌طور کامل محقق نشده است. یکی از این فرهنگ‌سراها «فرهنگ‌سرای فناوری و رسانه» است که برپایه گفته شهردار مشهد در روز بیست‌وچهارم آذر امسال، تنها ۲ درصد از اهالی رسانه با این فرهنگ‌سرا در ارتباط هستند و این امر به چیرگی فضایی راکد و سرد بر فرهنگ‌سرا انجامیده است. محمدرضا کلائی همچنین پیشنهاد کرده است که «این محیط در اختیار همه رسانه‌های استان قرار بگیرد تا به فضایی بانشاط و زنده تبدیل شود».

در این راستا و با این امید که چنین پیشنهادی که مطالبه اهالی رسانه در شهر مشهد نیز هست به‌زودی جامه عمل بپوشد، می‌توان پیشنهادهای دیگری را مطرح کرد تا فرهنگ‌سرای فناوری و رسانه به پایگاه اصلی اهالی رسانه تبدیل شود و بتواند تأثیرگذار باشد.

نخستین نکته که شاید ضروری‌ترین نیز باشد این است که همه اهالی رسانه در شهر مشهد بدون درنظر گرفتن حب‌وبغض‌ها و انحصارگرایی‌ها و محدودیت‌های سلیقه‌ای در این فرهنگ‌سرا حضور داشته باشند و نیز وقتی عبارت «اهالی رسانه» را به کار می‌بریم، فقط در معنای روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خبرگزاری‌ها نباشد، بلکه در معنای گسترده خود، علاوه بر روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، طیف وسیع عکاسان و طراحان و گرافیست‌ها و نویسندگان و نمایندگان نهادهای فرهنگی و اجرایی و خلاصه همه مرتبطان با مفهوم «رسانه» را در بر بگیرد.

از آنجا که هم‌اندیشی پایدار اهالی رسانه و اتخاذ تصمیم‌های عملیاتی برای صنف رسانه‌ای‌های مشهد ضرورتی انکارنشدنی است، گردآمدن همه اهالی رسانه در زیر چتر چنین فرهنگ‌سرایی لازم و حیاتی به‌نظر می‌رسد. همچنین می‌دانیم که اهالی رسانه در مشهد طیف سنی و نسلی گسترده‌ای را شامل می‌شوند. بخش بزرگی از رسانه‌های مشهد محل فعالیت نیروهای جوان است و از سوی دیگر یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های فرهنگی این صنف، پیش‌کسوتان عرصه رسانه هستند. بنابراین اگر محور فعالیت‌ها را «خلاقیت و نوآوری در بستر دانش و تخصص» بگذاریم، می‌توانیم با تلفیقی از جوانان و پیش‌کسوتان به‌سوی افق‌های روشنی در این حوزه گام برداریم.

آموزش به اهالی رسانه با برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌ها و میزگردهای تخصصی، کوشش برای ارتقای سواد رسانه‌ای مردم شهر مشهد با هدف ارتقای فرهنگ و احقاق حقوق شهروندی، توجه به اهمیت فرهنگ‌سازی در اقشار و نسل‌های مختلف مخاطبان و مراجعان فرهنگ‌سرا، کمک به مدیریت شهری مشهد به‌عنوان بازوی رسانه‌ای و یکی از بازوهای فرهنگی مدیریت شهری، توجه به ضروریات صنفی اهالی رسانه با توجه به اینکه خانه مطبوعات محدودیت‌های اجرایی فراوانی دارد و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز بسیاری از وظایف خود در این حوزه را فروگذاشته است و ده‌ها موضوع و مسئله دیگر می‌تواند در این فرهنگ‌سرا مد نظر قرار گیرد و صدالبته حضور گسترده اهالی رسانه خود باعث کشف مسائل تازه و کوشش برای حل هر کدام از آن‌ها باشد.

امیدواری اهالی رسانه این است که در چنین اقدامی، هم‌اندیشی و تصمیم‌گیری درباره امور صنفی و حرفه‌ای رسانه‌ها به خودشان واگذار شود و نهادهای عمومی و حاکمیتی مثل مدیریت شهری مشهد و دیگر نهادهایی که به عنوان «فرهنگ» را یدک می‌کشند، وظیفه حمایتی و نظارتی خود را به‌درستی انجام دهند و در اجرای اموری که به منفعت عمومی مردم و حاکمیت منجر می‌شود، سنگ تمام بگذارند.

زبان حال

معانی کاربردی به اندازه معانی لغوی درست‌اند

ایرج طوفان| همه آنچه این مختصر می‌خواهد بگوید این است که نخست، باید برای هر واژه به معنایی لغوی و معنایی کاربردی قائل بود. دوم، اهالی زبان برای معانی کاربردی جایگاهی پایین‌تر از معانی لغوی متصور نیستند، چنان‌که فرهنگ‌نویسان نیز ذیل هر مدخل، هم معانی لغوی و هم معانی کاربردی را ضبط می‌کنند. حسن عمید در شرح «فرشته» آورده است: «۱. موجودی آسمانی و غیر قابل رؤیت که مأمور اجرای اوامر الهی است و مرتکب گناه نمی‌شود؛ مَلَک. ۲. [مجاز] فرد دارای سیرت نیک و پسندیده. ۳. [مجاز] زن زیبا و مهربان.» هرچند این مثال محل مناقشه نیست، برای روشن کردن مقصود ناگزیر بود. در ادامه، چند نمونه چالش‌برانگیزتر را بررسی می‌کنیم.

۱

آن‌ها که به «باید» و «نباید» در زبان معتقدند و مرزهایی عبورناپذیر برای «درست» و «غلط» آن تصور می‌کنند، بر این عقیده‌اند که ترکیب‌هایی مانند «حقوق بالا»، «کیفیت پایین»، «دستمزد پایین» و «توقع بالا» نادرست است؛ به جای آن‌ها باید گفت: حقوق زیاد، کیفیت کم، دستمزد کم، و توقع زیاد. ایشان «بالا» را همواره «اوج، رأس، زَبَر، صدر، فراز، فوق، و ...» و «پایین» را «تحت، زیر، دون، فرود، مقابل بالا، و ...» معنا می‌کنند که همگی به مفهوم «جهت» دلالت می‌کنند؛ بنابراین «نباید» آن‌ها را برای بیان مفاهیم مربوط به «میزان» به کار برد. کورش صفوی در کتاب «درآمدی بر معنی‌شناسی» (چاپ پنجم: ۱۳۹۲، تهران: انتشارات سوره مهر، ص. ۱۶۶) می‌نویسد: «آن دسته از معنی‌شناسانی که صرفا به مطالعه معنیِ درون‌زبانی یا مفهوم دل خوش کرده‌اند، بر این اعتقادند که معنی جمله جدا از هر بافتی قابل تعیین است و اهل زبان نیز معنی هر جمله را پیش از کاربرد آن جمله در موقعیتی مشخص، درمی‌یابند. به این ترتیب، معنی را می‌توان مستقل از بافت دانست. ولی آیا به‌واقع محیطِ خارج از زبان هیچ تأثیری در معنی جملات زبان ندارد؟» با نظر به این رأی، در این بافت، «بالا» به معنای «زیاد» و «پایین» در معنای «کم» به کار رفته است و بعید می‌دانم هیچ فارسی‌زبان بالغی معنایی جز این دریابد.

۲

زبان‌شناسان شناختی «استعاره را ارتباط ۲ حوزه معنایی تعریف کرده‌اند که در آن، یک حوزه معنایی بر اساس حوزه معنایی دیگر بیان می‌شود» (محمد راسخ‌مهند، درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم، چاپ دوم: ۱۳۹۰، تهران: سمت، ص. ۳۶). در مثال ما (حقوق بالا، کیفیت پایین، و ...)، مفاهیم حوزه معنایی «میزان» با مفاهیم حوزه معنایی «جهت» بیان شده‌اند که زبان‌شناسان آن را نوعی استعاره تعریف می‌کنند. آن‌ها استعاره را نه‌فقط صنعتی ادبی بلکه وجهی از کاربرد روزمره زبان می‌دانند. استعاره‌های شناختی از جمله استعاره مفهوم جهت، مستقیما به شناخت ذهن انسان از جهان بازمی‌گردند و به زبان هیچ قوم یا ملتی مربوط نمی‌شوند، اگرچه باورهای فرهنگی بر آن‌ها مؤثرند. برای نمونه، در زبان انگلیسی high salary jobs به معنی «شغل‌های پردرآمد»، high quality به معنای «باکیفیت»، یا high speed به معنی «سرعت بالا/زیاد» است. باید در نظر داشت عده‌ای همین مثال‌ها را نقض گفتار ما می‌دانند. آن‌ها معتقدند کاربرد واژه‌های «بالا» به جای «زیاد» و «پایین» به جای «کم» تحت تأثیر زبان‌های غربی است؛ به همین علت، نباید به کار روند!

۳

کاربرد «بالا» در معنای «زیاد»، و «پایین» در معنای «کم» را خواه استعاره‌ای شناختی/مفهومی (جهت) توجیه کنیم خواه گرته‌برداری از زبان‌های اروپایی بدانیم، بخشی از فارسی امروز است. «از آنجا که جهان در حال تغییر است، زبان را نیز نمی‌توان ثابت پنداشت و معنای زبانی نیز پویاست. معنایی پویاست که قابل انعطاف باشد.» (همان، ص. ۱۹)

نگارستان

نمایی از جنگل در دوردست‌ها

نگاهی به نمایشگاه نقاشی دوردست‌ها در نگارخانه فرزاد

امیرمنصور رحیمیان| این بار می‌خواهم دستم را اول نوشته رو کنم و بگویم از مهارت فروغ نامجو در آبرنگ، شناختن فرم، کاربلدی‌اش در نقاشی، مهار خلاقانه آب و حرکت قلم‌موی او روی کاغذ لذت بردم. خودم هم خوب می‌دانم که برای آدم تلخ‌اندیش و دُگمی مثل من سخت است که بی‌بهانه‌گیری و ایراد گرفتن از سروته آثار و نمایشگاه، همین‌طور ناگهان اعلام کند که از فلان اثرِ فلان هنرمند خوشش آمده است ولی گاهی، بعضی ایرادها را می‌شود زیرسبیلی رد کرد و از باقی‌مانده اثر تعریف و تمجید کرد؛ ایرادهایی که از نظر تماشاچی و بیننده دور است و فقط اهل فن با تفکر در نوع ارائه، متوجهشان می‌شوند. ایرادهایی که هنرمند به‌راحتی می‌تواند از زیرشان در برود و آن‌ها را به سبک اجرایی‌اش نسبت بدهد.

این عیب‌ها، نه به مفهوم اثر لطمه می‌زنند و نه از وزن هنری اثر کم می‌کنند و با زیرکی می‌شود گفت که حتی ایراد هم به‌حساب نمی‌آیند. از این عیب‌ها که بگذریم، برای هنردوستان و هنرشناسان، دیدن رد حرکات قلم‌مو و نوع رنگ‌گذاری، درکنار رعایت فرم، نور و زاویه‌های انتخاب‌شده، کافی است تا هنرمندی را پشت اثر ببینند که در طول سال‌ها کار مستمر و خلق مداوم، دست و قلمش آبدیده شده است. در این میهمانیِ تماشا، می‌توان از فراز درختان بلند سپیدار و رنگ‌رنگش پاییز را دید. مثل کودکی، پشت پنجره‌های نیمه‌باز نشست و پرواز بادبادک‌ها را در آسمان نارنجی و خردلی نگاه کرد. صدای باران را روی برگ‌های افتاده بر زمین شنید.

باد را روی صورت احساس کرد که با موجی موزون، علف‌ها را می‌رقصاند و صدای رطوبت را در آهن پیچ قدمت نگاه کرد. نامجو به‌خوبی توانسته است با تکیه بر ذهن خلاقش، تبحرش در رنگ‌شناسی، شناخت تکنیک آب‌رنگ و در خیالی انتزاعی، بادکنک‌های رنگین و شیشه‌های تراش‌خورده را بگذارد روی سپیدارهای غمگین و رد سیاه خانه‌ها را پشت کوه‌های آبی‌رنگ گم کند. او در این نگارخانه تعداد محدودی اثر را به تماشا گذاشته است. از زاویه خوبش می‌شود اینکه فرصت را به بیننده می‌دهد تا بیشتر روی کارها مکث کند و از آن طرف هم می‌شود گفت نوعی رخوت در دست‌های هنرمند رخنه کرده است. از کار هنری بازمانده است و این روزها فرصت کمتری برای خلق اثر دارد. گو اینکه چندی قبل، دو کار از این مجموعه در نمایشگاهی گروهی در گالری روند به نمایش درآمده بود. مسلم است که هیچ اثری بی‌ایراد نیست و هیچ نمایشگاهی بی‌عیب. اصلا چه کسانی از همان ابتدا فهمیده‌اند که خط و رنگ را اگر این‌طور به کار بگیری، هنر است و اگر آن‌طور بشود، هنر نیست؟

در این وانفسای بی‌هنری و بی‌ذوقی، تماشای اندک خلاقیت هم غنیمت است. این روزها کمتر تماشاخانه‌ای پیدا می‌شود که کارهای به‌دردبخور و قابل ارائه‌ای برای نمایش، درون قاب‌های آویخته بر دیوارش داشته باشد.

گاهی آن‌قدر اوضاع درهم‌وبرهم و مخلوط با تفاخر، تکبر و چیزهای دیگری به غیر از هنر است که حس می‌کنم از چندسو ضرر کرده‌ام؛ از وقت و انرژی صرف‌شده گرفته تا حتی کرایه ماشینی که با آن خودم را به نمایشگاه رسانده‌ام. این بار را ولی پیشنهاد می‌کنم سری به نگارخانه کوچک فرزاد بزنید.

این نمایشگاه در خیابان سجاد، سجاد ۲، گلریز ۲، پلاک ۱۰، تا بیست‌وششم آذر، از ساعت ۱۷ تا ۲۰ دایر است. دیدن جنگل‌های دوردست و گوشه‌های دنج نامجو، خالی از لطف نیست.

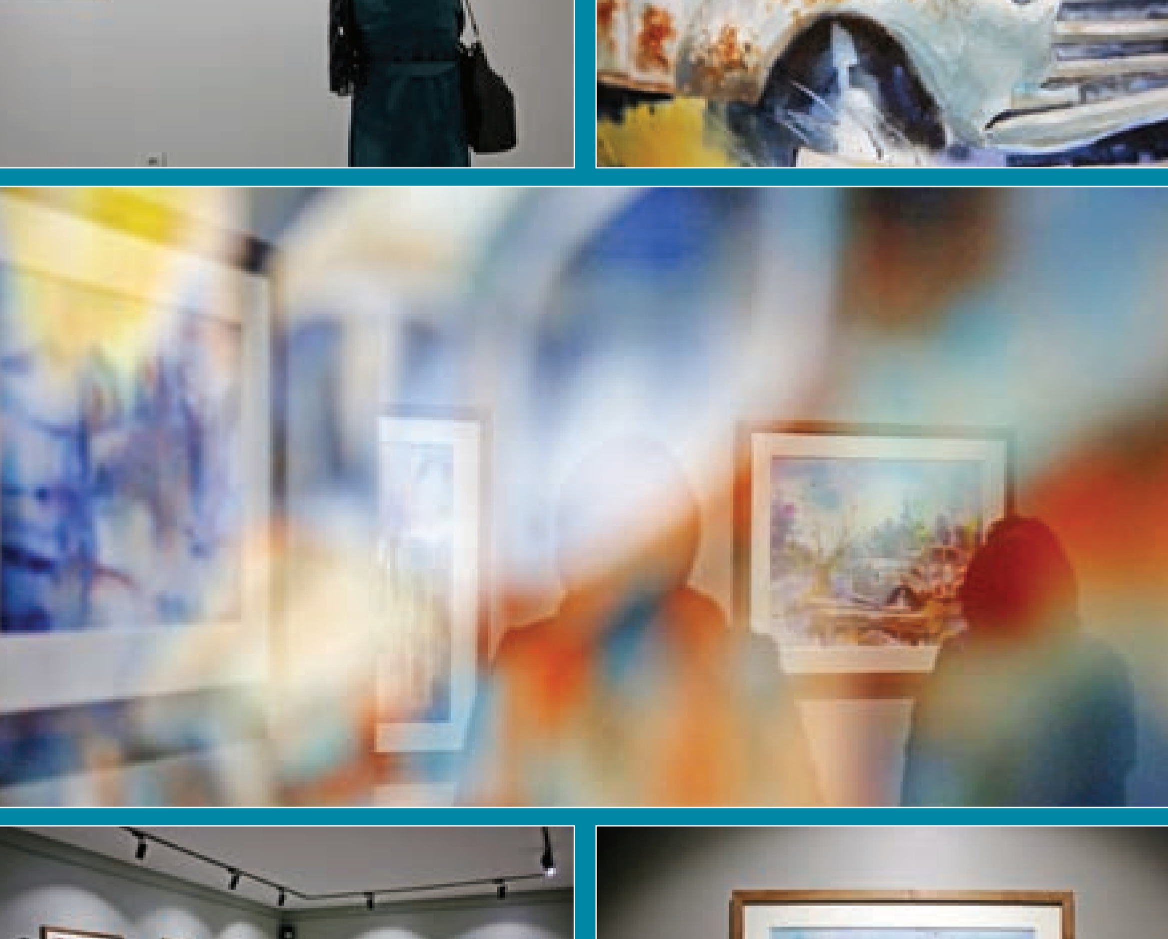

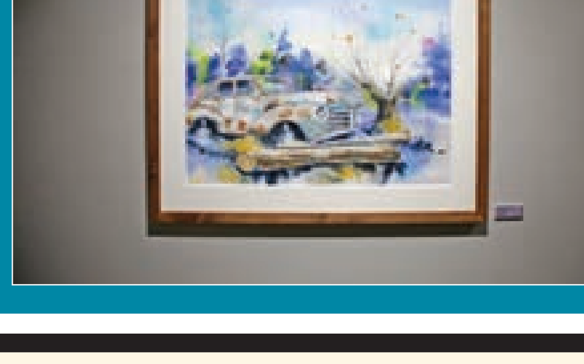

عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

زندگی با سینما

پیشرفت با «دست‌انداز»

گفت‌وگو با سعید توکلی که در تازه‌ترین اثر کمال تبریزی ایفاگر یکی از نقش‌های اصلی است

تنها تصویر منتشرشده از فیلم سینمایی «دست‌انداز»

شکیبا افخمی‌راد| تازه‌ترین اثر کمال تبریزی با نام «دست‌انداز» این روزها درحال طی کردن مراحل تولید است تا بتواند اولین تجربه نمایشش را در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر تجربه کند؛ فیلمی که از حضور دو بازیگر مشهدی در نقش‌های اصلی بهره گرفته است. رضا کیانیان و سعید توکلی، دو بازیگر از دو نسل متفاوت تئاتر مشهد هستند که در «دست‌انداز» برای ایفای دو نقش اصلی روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند. این دو بازیگر درحالی جلوی دوربین تبریزی رفته‌اند که بازیگران مطرح دیگری چون هدی زین‌العابدین، رؤیا نونهالی، همایون ارشادی و امید نعمتی، آن‌ها را همراهی می‌کنند. کیانیان که خود فعالیت حرفه‌ای‌اش را از صحنه‌های تئاتر مشهد آغاز کرده است، حال بازیگری را در کنارش می‌بیند که درحال پشت‌سر گذاشتن همان مسیر سال‌های پیش اوست. سعید توکلی، بازیگر جوان مشهدی، سال‌هاست در صحنه تئاتر مشهد و کشور نقش می‌آفریند. او در این عرصه با کارگردانان مطرحی چون محمد رحمانیان و رضا صابری نیز همکاری کرده است. حال قرعه به نام او افتاده است تا در فیلم جدید کمال تبریزی -کارگردان مطرحی که آثار ماندگاری از خود به‌جای گذاشته است- نقش بیافریند. درصورت پذیرش فیلم «دست‌انداز» در جشنواره فیلم فجر، توکلی چهارمین حضورش در مهم‌ترین رویداد ملی کشور را پس از «نیمکت»، «پنجشنبه، آخر ماه» و «مدیترانه» تجربه خواهد کرد.

با این بازیگر که برای دنبال کردن حرفه‌اش، چندی است به پایتخت مهاجرت کرده است، درباره تجربه حضور در فیلم کمال تبریزی و برنامه‌های آینده‌اش گپ‌وگفت داشتیم.

● پایان بازی به‌همراه کیانیان

مهرماه امسال بود که توکلی به دعوت حبیب رضایی، بازیگر مطرح سینما، برای حضور در فیلم «دست‌انداز» با نام قبلی «رستگاری جهان»، قرارداد بست و جلوی دوربین کمال تبریزی رفت. بازی او و رضا کیانیان در این فیلم، ۲۰ آذر به پایان رسید. به‌گفته توکلی، او و کیانیان تقریبا تمام لحظات فیلم روبه‌روی هم بوده‌اند و همان اندازه که کیانیان در فیلم سکانس دارد، او نیز به ایفای نقش پرداخته است. توکلی درباره تجربه همکاری‌اش با کیانیان می‌گوید: آقای کیانیان در بازیگری، فخر ما مشهدی‌هاست. حقیقتا من خیلی کنار او راحت بودم و به‌نظرم آن حس مشهدی بودن بینمان خیلی جذاب بود و باعث شده بود با هم هماهنگ باشیم؛ چه از لحاظ شوخی‌هایی که می‌کردیم و چه از نظر بداهه‌هایی که در فیلم می‌گفتیم.

● شیرین‌ترین تجربه توکلی در بازیگری

سعید توکلی از تجربه همکاری با کمال تبریزی می‌گوید: من همیشه در بازی‌هایم رگه‌هایی از طنز دارم و معمولا کارهای کمال تبریزی نیز به همین صورت است. همین موضوع همکاری با آقای تبریزی را که یکی از کارگردانان مطرح سینمای ایران است، بیش از پیش برای من جذاب کرد. به‌گفته او، کمال تبریزی علاوه‌بر اینکه کارگردان کاربلدی است، انسان بزرگی نیز هست: «به‌جرئت می‌توانم بگویم در طول سال‌های فعالیتم در تئاتر و سینما، تبریزی بهترین کارگردانی بود که با او کار کردم. او دست بازیگرش را باز می‌گذارد، از همین‌رو بازیگر جلوی دوربینش بسیار راحت است و همچنین می‌تواند با او وارد چالش شود و به‌طور مثال درباره دیالوگ‌ها با هم صحبت کنند.» این بازیگر همچنین بر این نکته تاکید می‌کند که در گروه سازندگان «دست‌انداز»، فضایی صمیمی حاکم بود. همین موضوع حضور در این پروژه را به یکی از تجربه‌های شیرین توکلی تبدیل کرده است.

● فیلمی تراژیک با رگه‌های کمدی

این بازیگر تئاتر توضیحی درباره داستان فیلم «دست‌انداز» نمی‌دهد، اما بر این باور است که این فیلم یکی از کارهای خیلی خوب جشنواره فیلم فجر امسال خواهد بود. توکلی درباره نقشش نیز می‌گوید: در فیلم «دست‌انداز»، نقش یک مامور نیروی انتظامی را بازی می‌کنم که برخی دیالوگ‌هایش نیز با لهجه مشهدی است. به گفته او، اکنون بیش از ۸۰ درصد فیلم جدید تبریزی فیلم‌برداری شده است و تدوین آن را نیز به‌صورت هم‌زمان، سپیده عبدالوهاب انجام می‌دهد تا این فیلم در زمان مقرر به جشنواره فجر امسال برسد.

● از تئاتر تا تلویزیون

توکلی درباره فعالیت‌های آینده خود نیز توضیح می‌دهد: من برای ایفای نقش در سریالی برای شبکه ۳ که قرار است ماه رمضان ۹۹ روی آنتن برود، قرارداد امضا کرده‌ام و همچنین حضورم در یک فیلم سینمایی که در آن هم قرار است با یک کارگردان بزرگ همکاری کنم، قطعی شده است و تا یک ماه دیگر جزئیات آن رسانه‌ای می‌شود. همچنین او فیلم سینمایی «مدیترانه» را به‌کارگردانی هادی حاجتمند، آماده اکران دارد.

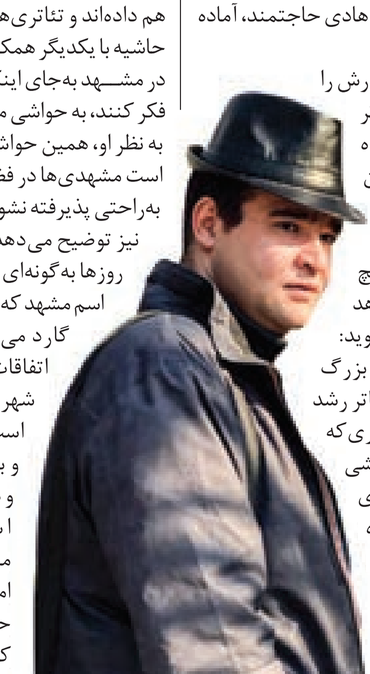

این بازیگر کارش را از صحنه تئاتر شروع کرده است و بر این نکته تاکید می‌کند که تئاتر را هیچ زمان رها نخواهد کرد. او می‌گوید: من در تئاتر بزرگ شدم و در تئاتر رشد کردم، به‌طوری‌که هنرهای نمایشی همیشه برای من جذاب بوده است، از این‌رو هر جای ایران که نور صحنه باشد و تئاتر در جریان باشد، من هم هستم.

توکلی همچنین از حضورش در نمایش جدید رضا صابری خبر می‌دهد؛ نمایشی با نام «پشت دیوار قدیمی کشتارگاه» که قرار بوده است بعد از پایان بازی او در فیلم «دست‌انداز»، در مشهد به روی صحنه برود.

به گفته این بازیگر به‌دلیل برخی حواشی، اجراهای این نمایش هنوز آغاز نشده است. او در توضیح بیشتر ماجرا می‌گوید: من حدود سه ماه برای تمرین این نمایش از تهران به مشهد می‌آمدم اما الان چیزی درباره اجرای نمایش مشخص نیست؛ یعنی نمایش درحالت تعلیق است و من علتش را نمی‌دانم.

● مشهد؛ شهر پرحاشیه

توکلی در مقایسه فضای هنری مشهد و تهران می‌گوید: مشهد یک شهر پرحاشیه است اما در تهران فضا متفاوت است. درواقع در پایتخت، همه برای پیشرفت تئاتر دست‌به‌دست هم داده‌اند و تئاتری‌های آن به دور از حاشیه با یکدیگر همکاری می‌کنند اما در مشهد به‌جای اینکه بیشتر به هنر فکر کنند، به حواشی می‌پردازند.

به نظر او، همین حواشی باعث شده است مشهدی‌ها در فضای هنر تهران، به‌راحتی پذیرفته نشوند. او در این‌باره نیز توضیح می‌دهد: شرایط این روزها به‌گونه‌ای شده است که اسم مشهد که می‌آید، بسیاری گارد می‌گیرند. این اتفاقات برای هنر این شهر که پر از استعداد است، خوب نیست و باعث هدر رفتن و دیده نشدن استعدادهای مشهد می‌شود. امیدوارم از این حواشی دوری کنیم و بیشتر به هنر شهر بپردازیم.

رویداد

فرهنگ بومی برای «عروس سرخ»

فرشید تمری تازه‌ترین نمایش خود را با بازیگران تهرانی روی صحنه خواهد برد

زوزنی| «عروس سرخ»، عنوان نمایشی است که فرشید تمری، نویسنده و کارگردان تئاتر، از امشب روی صحنه خواهد رفت. در این نمایش، بهار ارجمند، فرزند مرحوم انوشیروان ارجمند و همچنین بابک نوری و کاوه خداشناس، از بازیگران تهرانی تئاتر، به ایفای نقش خواهند پرداخت. حضور محسن میرزازاده، خواننده بومی و محلی، نیز به‌عنوان بازیگر در این نمایش، نوید یک اجرای مبتنی‌بر موسیقی و حرکات آیینی خراسانی و کهن را می‌دهد. این نمایش که کاری از گروه تئاتر «لال» است، از امشب حوالی ساعت ۷ در سالن ایثار هتل ثامن واقع در ابتدای جاده طرقبه اجرا خواهد شد و تا اواخر دی‌ماه نیز روی صحنه است و امکان تهیه بلیت آن در سایت مشهدگیشه فراهم است. علاوه‌بر خراسان رضوی، دو استان خراسان‌شمالی و کردستان هم در نوبتند تا «عروس سرخ» برای اجرا به شهرهای آن‌ها بجنورد، سنندج، مهاباد و مریوان برود.

تمری در نشست خبری این تئاتر گفت: لطافت و نشاط فرهنگی خراسان بزرگ از نیازمندی‌های مردم است که آن را در «عروس سرخ» بازتاب داده‌اند. تمرکز بر داستان‌ها و آیین‌های کهن و موسیقی بومی خراسان، یکی از جنبه‌های این نمایش است که با حضور میرزازاده و نواختن دوتار و اجرای حرکات آیینی با طراحی محمدحسن توکلی، قوام یافته است.

تمری گفت که داستان‌های کهن را در نمایش در قالبی امروزی به مخاطب ارائه خواهد کرد. به‌گفته مجتبی مرغزاری، مدیر بازرگانی نمایش، ۴۰۰ میلیون تومان برای تولید «عروس سرخ» صرف شده است.

بابک نوری هم در پاسخ به شهرآرا درباره علت حضورشان در یک تئاتر مشهدی گفت که همیشه دنبال ایفای نقش‌های متفاوت است و بسیاری از کارهایی را که به او پیشنهاد شده، قبول نکرده است: «نقش سردار سرخ در «عروس سرخ» نقش عجیبی است و بعد از یک ماه تمرین هنوز جنبه‌های تازه‌ای از آن را می‌یابم و به همین دلیل است که فکر می‌کنم این نقش، متفاوت است و برای بازی در آن با افتخار به شهر امام‌رضا(ع) آمدم.»

کاوه خداشناس هم در صحبت‌هایش گفت که این نمایش ابعاد ملی و بین‌المللی دارد و بسیاری از مردم جهان و حتی کشور خودمان تشنه این مضامین هستند و باید آن را به همه‌جای ایران و دنیا برد. بهار ارجمند نیز که بعد از ۲۴ سال برای اجرای تئاتر به مشهد آمده است، از همکاری با تمری که روزی شاگرد پدرش بوده، ابراز خرسندی کرد و گفت که در آثار فرشید تمری، نوع نگاه کارگردانی و دغدغه‌مندی مرحوم ارجمند وجود دارد: «عروس سرخ حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و من پیش همکاران تهرانی‌ام سربلند هستم که مشهد، تئاتر سرزنده‌ای دارد.»

عکس: جوادکرمانی | شهرآرا

زندگی با سینما

برنامه اکران جشنواره «سینماحقیقت» در مشهد

اکران تعدادی از فیلم‌های جشنواره سینماحقیقت از روز گذشته در دو سینمای اطلس و هویزه آغاز شده است و تا جمعه ۲۹ آذر ادامه خواهد داشت. براساس جدول اعلام‌شده، امروز ۲۶ آذر در سینماهویزه مشهد به ترتیب سه فیلم «جایی برای فرشته‌ها نیست»، «روزی که رفت» و «رنج زیر پوست» به‌ترتیب در سانس‌های ۱۶، ۱۷:۳۰ و ۲۰ اکران می‌شود. در همین سانس‌ها نیز چهارشنبه ۲۷ آذر در این سینما به ترتیب فیلم‌های «فرزندان شب»، «صحنه‌هایی از یک جدایی» و «زمستان است» روی پرده خواهند رفت. سینمااطلس نیز امروز در ساعت ۱۶ فیلم‌های «مادر جبهه‌ها» و «مرهم»، ساعت ۱۸ فیلم «عالیجناب» و ساعت ۲۰ فیلم «روایت رهبری» را اکران خواهد کرد. این سینما فردا ساعت ۱۶ فیلم‌های «خانه سنگی»، «آن‌ها» و «قیچی»، ساعت ۱۸ دو فیلم «آبشار» و «جمیله» و ساعت ۲۰ نیز «قربان» را روی پرده می‌برد.

«آشفتگی» جیرانی به اکران رسید

۲ فیلم جدید از چهارشنبه در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود

نگار راد| فیلم «آشفتگی» به کارگردانی فریدون جیرانی، سینماگر خراسانی که از ماه‌ها قبل قرارداد اکرانش بسته شده بود، سرانجام از چهارشنبه ۲۷ آذر اکران می‌شود. این فیلم که اولین بار در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده بود، درنهایت تنها با یک نامزدی در بخش بهترین فیلم‌برداری، این جشنواره را به پایان رساند. جیرانی که پیش از این فیلم‌هایی چون «قرمز»، «شام آخر»، «سالاد فصل»، «پارک‌وی»، «من مادر هستم» و «خفگی» را کارگردانی کرده، در فیلم جدیدش به‌سراغ فضایی متفاوت رفته است. بهرام رادان، مهناز افشار و مهران احمدی جزو بازیگران اصلی فیلم «آشفتگی» هستند. باید دید باتوجه‌به ممنوع‌التصویر بودن مهناز افشار و احتمالا به مشکل خوردن جیرانی برای تبلیغات فیلم جدیدش، این فیلم می‌تواند به فروش خوبی دست پیدا کند یا خیر.

«مشت آخر»، دیگر فیلمی است که از چهارشنبه این هفته در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. مهدی فخیم‌زاده کارگردانی این فیلم سینمایی را برعهده دارد. آخرین حضور فخیم‌زاده در عرصه کارگردانی سینما به ۱۵ سال پیش و فیلم «هم‌نفس» برمی‌گردد. حال او بعد از وقفه‌ای طولانی به‌سراغ ساخت یک فیلم در ژانر اکشن و با موقعیت‌های کمدی رفته است. فخیم‌زاده علاوه‌بر کارگردانی، در «مشت آخر» به ایفای نقش نیز می‌پردازد. گوهر خیراندیش، احمد نجفی و رامین راستاد از دیگر بازیگرانی هستند که در این فیلم سینمایی حضور دارند.

تماشاخانه

آثار نمایشی در تماشاخانه‌های مشهد

۱ این روزها تماشاخانه‌های مشهد میزبان چندین نمایش با موضوعات گوناگون است. در سالن اصلی تئاتر شهر هرشب ساعت ۱۹ نمایش «حادثه در نوسا» به روی صحنه می‌رود. احسان روحی، نویسنده نمایشنامه و دانوش یزدان‌پناه، کارگردان این اثر نمایشی است. علی ضمیری، دریا تاجی‌رودی، حسین حق‌پرست، شاهین نورایی، شقایق براتیان، محمد اسماعیل‌زاده، سیما صادق‌زاده و مسعود علیمرادی نیز تیم بازیگری «حادثه در نوسا» را تشکیل می‌دهند.

۲ «از خودت نترس» دیگر نمایشی است که هرشب به‌کارگردانی مسیحا ابوعلی، ساعت ۱۸ در تماشاخانه استاد نوری واقع در حوزه هنری به روی صحنه می‌رود. پاییز علی‌آبادی، رها فارقی، پرنیا ملائکه، پرنیان اخوان‌اخلاقی، نیوشا کرمی، مهتا مجیدی‌فرد و رعنا میرنژاد، بازیگران این اثر نمایشی هستند. شرح کامل گزارش «از خودت نترس» را می‌توانید در صفحه هنر روز یکشنبه ۲۴ آذر با عنوان «تو را بکار و شکوفا شو» بخوانید.

۳ «ویترین» به کارگردانی سعید صادقی هرشب ساعت ۱۹ در پردیس تئاتر مستقل اجرا می‌شود. در خلاصه این نمایش آمده است: «حامد که به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور به اعدام محکوم شده، در اتاقی مرموز در یک هتل پنهان شده است. در این اتاق برای حامد اتفاقات عجیب و غریب رخ می‌دهد....» پردیس تئاتر مستقل در خیابان صارمی، حدفاصل میدان حافظ و صارمی ۵۰ واقع شده است.

۴ «چند قطعه مفرح برای آدم بزرگ‌های وقیح» دیگر نمایشی است که این شب‌ها در پردیس تئاتر مستقل به روی صحنه می‌رود. این تئاتر هرشب ساعت ۱۸ به کارگردانی سعیده جهان‌بین و با بازی محمد نجفی، المیرا عاقل، آرمین توبک، حوریه خواب‌نما و فرزاد فاطمی، میزبان علاقه‌مندان به هنرهای نمایشی است.

۵ «ربوت» عنوان نمایشی به‌کارگردانی امیرحسین آژیرارشد است که هرشب ساعت ۱۸ در تماشاخانه اشراق واقع در حوزه هنری خراسان رضوی به روی صحنه می‌رود. در این نمایش جلال شهبازنژاد، علی احمدی، مصطفی نظریان، آتنا شهیدی، نیلوفر پناهی و نگار حسین‌زاده نقش می‌آفرینند.

۶ «آنتی کاریزما» به‌کارگردانی فرزین علیین هرشب ساعت ۱۷:۴۵ در تماشاخانه خورشید به روی صحنه می‌رود. درباره این اثر نمایشی می‌خوانیم: «بیاین همه دردامون رو بریزیم تو صندوق، درشو محکم ببندیم». آدرس تماشاخانه خورشید، حدفاصل معلم ۲۸ و چهارراه دانش‌آموز است.

۷ «بوفالوی آمریکایی»، اثر دیویت ممت و به‌کارگردانی امیرحسین رحیمی، این شب‌ها ساعت ۱۸ در تماشاخانه بهار مجتمع فرهنگی هنری امام‌رضا(ع) به روی صحنه می‌رود. در این نمایش علیرضا نامنی، امیرارسلان طالبی و امیرحسین رحیمی نقش بازی می‌کنند. در خلاصه داستان «بوفالو آمریکایی» آمده است: «دانی دُبرو) صاحب یک عتیقه‌فروشی است که یک سکه با طرح بوفالو را به قیمت ۹۰ دلار به فردی ناشناس می‌فروشد. در ادامه، او گمان می‌کند سکه‌اش ارزش بیشتری داشته است و با پادوی جوان خود(بابی)، نقشه می‌کشد که سکه‌اش را پس بگیرد.... »

۸ یکی از آثار شاخص تنسی ویلیامز نیز این شب‌ها در تماشاخانه بهار اجرا می‌شود. «باغ‌وحش شیشه‌ای» به‌کارگردانی سعید نمایی و با حضور بازیگرانی چون پریسا معتمدی‌مهر، نینا گودرزی و سعید نمایی، هرشب ساعت ۱۸ میزبان تماشاچیان است.

۹ «حسنی نگو یه دسته‌گل» (ویژه کودکان و نوجوانان) عنوان نمایشی به‌کارگردانی خسرو نایبی‌فرد است که هرشب ساعت ۱۸:۳۰ در کانون پرورش فکری کودکان‌ونوجوانان واقع در فلسطین ۲۶ به‌روی صحنه می‌رود. علی آزادنیا، اصغر لشکری‌فر، علی جوانمرد، خسرو نایبی‌فرد، محرم نجف‌زاده، حمیده کبریتی، الهام لشکری، آتنا لشکری، حمیرا حقیقی، هانیه جوانمرد، سمانه آزادنیا و علیرضا سوزنچی بازیگران این اثر نمایشی هستند.